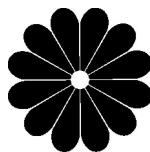


به نام خداوند جان و خرد



پوران پژوهش

زبان انگلیسی عمومی ویژه کارشناسی ارشد

«جلد دوم»

لغات و درک مطلب

چاپ شانزدهم

مؤلف:

مهرداد امیری

پاییز ۱۴۰۰

به نام خدا

پیشگفتار

سپاس می‌گویم پروردگار بزرگ را که همیشه در انجام هر کاری، چه بزرگ و چه کوچک و ناچیز راهنما و روشن‌گر راه من بوده است. همکاران و دانشجویان گرانقدر به خوبی می‌دانند که آنچه به عنوان کتاب یا مقاله به یاری پروردگار بزرگ نگاشته یا گردآوری کرده‌ام کوششی بوده است در جهت رفع مشکل دانشجویان و هموار کردن راه و روش یادگیری برای این عزیزان. کتاب حاضر نیز تلاشی است در جهت کمک به دانشجویان و داوطلبان عزیزی که مایل هستند در آزمون‌های ورودی کارشناسی ارشد شرکت کنند.

از آنجا که بسیاری از دوستان یا از درس زبان انگلیسی خاطره‌ای خوش ندارند و یا هنوز به لذت و زیبایی آن، آن طور که باید و شاید پی نبرده‌اند. در این کتاب سعی کرده‌ام در کنار معرفی شیوه‌های صحیح مطالعه زبان انگلیسی مطالب به زبانی ساده همراه با مثال‌های فراوان ارائه شود تا هم به جذابیت کار بیافزاید و هم مسیر یادگیری را تسهیل کند.

از آنجا که حجم اطلاعات ارائه شده در کتاب بسیار زیاد بوده مجبور به تقسیم کتاب به دو جلد شده‌ام. در جلد اول کتاب به آموزش گرامر زبان انگلیسی و جلد دوم آن به آموزش لغت و درک مطلب پرداخته‌ام. البته لازم به ذکر است که هر کتاب هویت و شکل کاملاً مجزاً و مخصوص به خود را دارد و به تنهایی نیز قابل استفاده است.

تقدیر و تشکر

در این جا لازم می‌دانم از تمامی کسانی که در مراحل آماده‌سازی کتاب حاضر به یاری من آمدند تشکر کنم.

آقای دکتر هژبر و سرکار خانم عبدی مدیران محترم مؤسسه پوران پژوهش نیز همواره با حمایت‌های دل‌گرم‌کننده‌ی خود مشوق اینجانب بوده‌اند و راه را برای تألیف و نگارش کتاب‌های مختلف هموار کرده‌اند، از ایشان نیز بی‌نهایت متشکرم.

آقای بهداد امیری کار دشوار نمونه‌خوانی و ویرایش کتاب را عهده‌دار شدند که در اینجا از ایشان سپاس‌گزاری می‌کنم.

سرکار خانم خسروی زحمت صفحه‌آرایی و ویرایش رایانه‌ای را به عهده داشته‌اند و همواره با موشکافی تلاش کرده‌اند کتاب‌ها با نقص کمتری در دسترس مخاطبان قرار گیرد و جناب آقای رحیمی نظارت چاپ مجموعه را عهده‌دار بوده‌اند. از این دو بزرگوار نیز بسیار متشکرم.

سخن آخر:

تلاش و کوشش فراوانی به کار رفته است تا کتاب به شکلی بی عیب و نقص همراه با اطلاعات مورد نیاز داوطلبان آزمون‌های ورودی کارشناسی ارشد داخل کشور به مخاطبین گرامی ارائه شود، اما نمی‌توانم ادعا کنم که هیچ عیب و ایرادی در کتاب وجود ندارد بنابراین از تمامی دانشجویان عزیز و همکاران محترم تقاضا دارم، پیشنهادات و راهنمایی‌های ارزنده‌ی خود را از طریق پست الکترونیکی زیر و یا تماس با انتشارات پوران پژوهش در اختیار این جانب قرار دهند تا در چاپ‌های بعدی به کار ببندم.

پیروز و سربلند باشید.

مهرداد امیری

زمستان ۱۳۹۷ تهران

m.amiri@srbiau.ac.ir: پست الکترونیکی

تقدیم به:

پدر و مادر

مهربانم

فهرست مطالب

فصل اول. واژگان Vocabulary.....	۱
بخش ۱. واژگان کاربردی پایه - همراه با مثال.....	۷
بخش ۲. واژگان کلیدی	۲۲
بخش ۳. واژگل پیش تافل	۶۲
بخش ۴. برگزیده تست‌های واژگان کنکور کارشناسی ارشد سال‌های گذشته	۸۹
فصل دوم. درک مطلب Reading Comprehension.....	۲۰۳
مقدمه.....	۲۰۳
بخش ۱. آموزش درک مطلب	۲۱۴
بخش ۲. Cloze Passage.....	۲۶۳
بخش ۳. نمونه تست‌های درک مطلب کنکورهای کارشناسی ارشد.....	۲۷۷
بخش ۴. تست‌های کنکورهای اخیر با پاسخ تشریحی	۲۰۳
ضمائم.....	۳۷۸
منابع.....	۳۸۲

واژگان (Vocabulary) فصل ۱

مقدمه Introduction

شاید دشوارترین و از طرفی جذاب‌ترین بخش هر زبانی واژگان آن باشد. برخی دانشمندان زبان‌شناس واژگان را مرتفع‌ترین قله هر زبانی دانسته‌اند و برای یادگیری واژگان، راه‌های مختلفی را ارائه کرده‌اند. لازم به یادآوری است که یادگیری تمام واژگان زبان، چه زبان مادری و چه زبان دوم و یا زبان خارجی، امری غیرممکن است. بلکه ما براساس نیاز و بر پایه حوزه‌ی زبانی و میزان ارتباطمان با دنیای خارج یا اجتماع خودمان از زبان بهره می‌بریم و به همین میزان هم بر واژگان تسلط داریم. اما در خصوص زبان انگلیسی که زبان خارجی غالب در کشور ماست، باید گفت که نیاز روزافزون به زبان انگلیسی امری است که به هیچ روی نمی‌توان آن را انکار کرد. بنابراین بهتر است در جستجوی راهی برای بهتر آموختن آن باشیم. در این بخش برخی از مهم‌ترین روش‌های یادگیری و به خاطر سپردن واژگان به خوانندگان ارجمند ارائه می‌شود.

امیدوارم با به کارگیری این روش‌ها بتوانید هر چه سریع‌تر به دامنه لغات خود، البته به شکلی کاربردی و اساسی، بیفزایید و بتوانید گامی در راستای یادگیری زبان انگلیسی بردارید و در آزمون ورودی دوره‌ی کارشناسی ارشد موفق شوید.

۱- مطالعه به زبان انگلیسی

سعی کنید به زبان انگلیسی مطالعه کنید. شاید برای برخی از دوستان دانشجوی این کار در ابتدا کمی دشوار به نظر برسد، اما به هیچ وجه نگران نباشید: می‌توانید ابتدا با کتاب‌های طبقه‌بندی شده یا (stage) که به وفور در کتاب‌فروشی‌ها یافت می‌شود، شروع کنید. از هر مرحله (stage) حداقل ۵ کتاب را مطالعه کنید. پس از مدتی خواهید دید که می‌توانید لغات را به راحتی به خاطر بسپارید. تکرار واژه‌ها در متون

مختلف باعث درونی شدن آن‌ها در ذهن شما خواهد شد. وقتی که خواندن شما مستمر باشد به راحتی واژه‌های جدید را از درون متن حدس می‌زنید. اگر واژه‌ای برای شما بسیار دشوار بود، آن‌گاه به فرهنگ لغت مراجعه کنید - سعی کنید فرهنگ لغت انگلیسی به انگلیسی را به کار ببرید. نگران نباشید، شما توانایی خواندن و فهمیدن لغات را دارید.

۲- استفاده از فرهنگ لغت (ترجیحاً انگلیسی به انگلیسی)

وقتی برای پی بردن به معنای واژه‌ای جدید از فرهنگ‌ها استفاده می‌کنید، نه تنها معنای واژه‌ی مورد نظر را در می‌یابید بلکه اطلاعات ارزنده‌ی دیگری نیز در اختیار شما قرار می‌گیرد که از آن جمله می‌توان: تلفظ، نوع واژه، معنای دیگر واژه، کاربردهای دستوری واژه، اصطلاحات و عبارتهای ساخته شده از آن واژه و جمله‌ها نمونه‌ای که واژه در آن استفاده شده را نام برد. این کار نه تنها به ماندگار شدن واژه در ذهن شما کمک می‌کند بلکه به تدریج شما را با کاربرد و تفاوت‌های ریز معنایی واژه‌ها نیز آشنا خواهد کرد. به یاد داشته باشید بهترین زبان آموز کسی است که همواره فرهنگ لغات را در کنارش دارد و از آن هر آن چه خواهد می‌آموزد.

برای روشن‌تر شدن مطلب در این جا واژه‌ای را با هم بررسی می‌کنیم. همه‌ی شما با واژه‌ی book آشنایی دارید و حداقل یکی از معناهای آن یعنی کتاب را می‌دانید. توجه داشته باشید این لغت معناهای مختلفی دارد که با نگاه مختصری به فرهنگ لغت به آنها پی خواهید برد.

a. book / buk / [n] a set of sheet of papers fastened together, to read.

ترکیباتی که در زیر این واژه آمده‌اند عبارتند از:

1. bookshelves (کتاب فروش) a book seller (قفسه‌های کتاب)
- a. book shop (مغازه کتابفروشی)
2. collocation of papers, tickets, like a book دفترچه - دسته‌ی بلیط - دفترچه‌ی راهنما
3. a closed book: subject about which one knows very little. معما - مطلب غیر قابل فهم
4. by the book: according to the rules طبق مقررات
5. books [p]: bussiness accounts دفتر حساب و کتاب (شکل جمع)

تمامی موارد فوق مربوط به واژه‌ی book به عنوان اسم می‌باشد. اکنون اجازه بدهید واژه book به عنوان فعل را نیز بررسی کنیم:

b. book / buk / [v]

1. order (sth) in advance رزرو کردن - از قبل سفارش دادن
- ترکیبات مرتبط:

(book a hotel room) (در هتل اتاق رزرو کردن) (book a seat) (جا رزرو کردن)

2. booked by police وقتی کسی تخلف می‌کند می‌گوییم: «پلیس شماردهاش را برداشته است»

علاوه بر این موارد، ترکیبات زیر را نیز می‌توان در فرهنگ لغت یافت:

bookcase (جا کتابی - کتابخانه یک نفر)

book club (باشگاه کتاب)

booking (نگهداری جا - رزرو)

book binder (صحاف)

booking office (باجه فروش بلیط)

book let (جزوه - کتابچه)

book mobile (کتابخانه سیار)

book stall (دکه روزنامه‌فروشی - کیوسک)

book work (کار نظری)

book token (بن کتاب)

همان‌طور که دیدید با کمک فرهنگ لغت می‌توان واژه و ترکیبات بسیار زیبایی را یاد گرفت و به کار برد.

۳- یادگیری ریشه، پسوند و پیشوند واژه‌ها

بیشتر لغات انگلیسی ریشه‌ی لاتین یا یونانی دارند و این ریشه‌ها با پیشوندها یا پسوندها ترکیب شده و واژه‌های جدیدی ساخته‌اند. می‌توانید با یادگیری و تمرین ریشه‌ها، پیشوندها و پسوندها معنای بسیاری از لغات جدید را نیز حدس بزنید. هم چنین می‌توانید تبدیل شدن یک واژه از حالت فعل به صفت یا قید را به راحتی بررسی و تجزیه و تحلیل کنید.

• مثال:

Press (v)

im + press → بیان کردن (v)

impress + ion → impression (بیان - حالت)

ex + press → بیان کردن (v)

express + ion → expression اصطلاح

با قاعده

↑

ir + regular → irregular: بی‌قاعده

↓

پیشوند

منفی‌کننده

آشنایی با پیشوندها و پسوندها هر چند هم که مختصر باشد می‌تواند به درک شما از زبان انگلیسی کمک شایانی بکند.

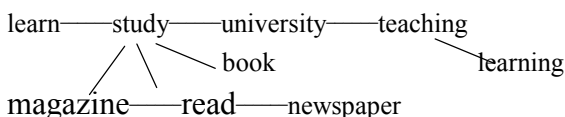
برای کمک به شما دانشجویان عزیز، لیستی از پیشوندها و پسوندهای مهم زبان انگلیسی در انتهای کتاب آورده شده است که امیدوارم با کمک آن بتوانید با معنای واژه‌ها بهتر آشنا شوید.

۴- درست کردن لیست واژه‌ها

واژه‌های جدید را در دفترچه‌ی خود بنویسید. مثال مربوط به آن‌ها را نیز به صورت جمله یا عبارت زیر هر واژه بنویسید. جمله‌های فرهنگ لغات را نیز به آن بیفزایید. کم‌کم شما صاحب مجموعه‌ی ارزنده‌ای از واژگان می‌شوید که متعلق به شما است و بخشی از دانسته‌های شما را تشکیل می‌دهد. با مراجعه‌ی مکرر به آن علاوه بر تقویت واژگان خود، یادگیری نیز برای شما به خاطره‌ای خوش تبدیل می‌شود. چرا که هر وقت به واژه‌ای نگاه می‌کنید، می‌توانید به یاد بیاورید که این واژه را در کدام متن یا کلاس یاد گرفته‌اید. البته می‌توانید از کارت‌های مخصوص ثبت واژه (که واژه در یک طرف و مثال و معنی در طرف دیگر آن نوشته می‌شود) نیز استفاده کنید.

۵- واژه‌های مربوط به هم را کنار هم قرار دهید.

واژه‌هایی که معنای مشابه یا نزدیک دارند، می‌توانند مجموعه‌ی خوبی را برای ما تشکیل دهند. می‌توانیم به راحتی واژه‌ها را کنار هم بچینیم و آن‌ها را یاد بگیریم. الف: واژه‌هایی که در یک حوزه‌ی کاربردی - معنایی قرار می‌گیرند. مانند:



ب: واژه‌هایی که با هم مترادف هستند: (توجه داشته باشید که کاربرد هر یک از این واژه‌ها با دیگری متفاوت است، لذا آن‌ها را با مثال یاد بگیرید.)

دریافت کردن: 4- receive به دست آوردن: 3- obtain گرفتن: 2- gain گرفتن: 1- catch

{ catch, something, some money
obtain new things
receive a letter

ج: واژه‌هایی که با هم متضاد هستند.

clear ≠ dark
pretty ≠ ugly

د: واژه‌هایی که گیج‌کننده‌اند: (confusable words): این دسته از واژگان یا از لحاظ تلفظ و شکل ظاهری مشابه هستند یا از لحاظ معنایی: اگر از لحاظ معنایی با هم مشابه باشند می‌توان با روشی که در قسمت «ب» توضیح داده شده، با توجه به کاربرد هر واژه، تمایز بین آن‌ها را مشخص کرد و به خاطر سپرد.

اما وقتی تلفظ واژه‌ها با شکل ظاهری آن‌ها با هم مشابه باشد کار کمی سخت‌تر می‌شود. بهتر است در این موارد، با تکرار و تمرین و جمله‌سازی، این واژه‌ها را یاد بگیرید.

مثال: به واژه‌های زیر توجه کنید:

expect داشتن
accept پذیرفتن
except به‌جز
extend گسترش‌دادن
expert متخصص - کارشناس
accent لهجه
export صادرات

یا این که گروه واژه‌های زیر را در نظر بگیرید:

available در دسترس	planet سیاره	Plain روشن - دشت
avoidable قابل اجتناب	plant گیاه	Plane هواپیما
unavoidable غیرقابل اجتناب	plate صفحه-بشقاب	
inevitable غیرقابل اجتناب	Plot طرح و نقشه	

هـ: واژه‌هایی که با هم حالت هم‌آیی (collocation) دارند. مانند دختر و پسر - مرد و زن - سفارش غذا و خواندن کتاب:

این بخش از واژگان یکی از مهم‌ترین بخش‌ها است و تنها راه یادگرفتن آن تمرین و یادگیری واژه‌ها به شکل ترکیبی است.

نکته

واژه‌ها را با هم ترکیب کنید و ترکیب‌ها را خوب به ذهن بسپارید: واژه‌ی تنها در ذهن نمی‌ماند و پس از مدتی فراموش می‌شود.

توجه: آزمون‌های شما پر از واژه‌هایی است که با هم ترکیب شده و در کنار هم آمده‌اند. بسیاری از آنها حالت collocation یا اصطلاح (idiom) دارند. سعی کنید این واژه‌ها را در کنار هم بگیرید: البته اگر این واژه‌ها با یکدیگر هم‌آویی هم نداشته باشند، باز هم ترکیب موجود بهتر در ذهن می‌ماند تا واژه مفرد و مجزاً.

واژه‌های استفاده شده در آزمون‌های گذشته:

heart beat ضربان قلب
aerobic exercise (ورزش هوازی)
feel happy (شاد بودن)
space probe (فضاپیمای پژوهشی)
artificial satellite (ماهواره مصنوعی)
launch satellite (پرتاب ماهواره به فضا)

۶- به کار بردن واژه‌های جدید

اگر متن جدید بخوانید، به نوارهایی به زبان انگلیسی گوش دهید و با دوستانتان به انگلیسی صحبت کنید، می‌توانید به راحتی آن چه را آموخته‌اید تمرین کنید و به ذهن بسپارید. توصیه می‌شود تا آن جا که می‌توانید برای خودتان جمله‌سازی کنید، حتی اگر بخشی از جمله‌ی شما فارسی و بخش دیگر انگلیسی باشد. سعی کنید هراس خود نسبت به یادگیری زبان را فراموش کنید و از انگلیسی یادگرفتن لذت ببرید.

آموزش هدف‌دار واژگان

در این کتاب سعی شده است تا واژگان به شکلی هدف‌دار به دانشجویان عزیز ارائه گردد. ابتدا لیستی از واژگان کاربردی پایه، همراه با مثال، معنی انگلیسی، معادل فارسی و هم‌چنین یک واژه‌ی متضاد با واژه‌ی اصلی، ارائه می‌شود. لیست واژگان را به دقت مطالعه کنید و مثال‌های آن را به خاطر بسپارید.

در بخش دوم آموزش واژگان کلیدی در نظر گرفته شده است. واژگان این بخش بیشتر به یادآوری واژگان زبان عمومی General English در سطح زبان پیش‌دانشگاهی و زبان عمومی دانشگاه می‌پردازد. بخش سوم: واژگان پیشرفته‌ی زبان عمومی دانشگاه و سطح Pre-TOEFL را بررسی می‌کند، در هر روش ابتدا لیست بسیار کامل و جذابی از واژگان اساسی تافل TOEFL ارائه می‌شود سپس واژه‌های دشوار در قالب تست به شما معرفی می‌شوند.

در پایان این بخش تست‌های واژگان کنکور کارشناسی ارشد سال‌های گذشته بررسی شده و با پاسخ تشریحی ارائه می‌شوند.

(Section One)

بخش ۱

واژگان کاربردی پایه – همراه با مثال

در این بخش با مهم‌ترین و پربسامدترین واژگان به کار رفته در آزمون‌های کارشناسی ارشد آشنا می‌شوید.

word	Meaning	Example
Available	در دسترس	<ul style="list-style-type: none"> - The database in the library is available to anyone. - Several thousand seats are available for tonight's show. - films available on DVD - The book is available in the museum's bookstore. - I'm available after lunch. - the easy availability of guns in the U.S.
Valuable	Precious, priceless با ارزش	- I think we've all learned a valuable lesson today.
Avoidable	اجتناب‌ناپذیر	an almost entirely avoidable cause of death
Invaluable	با ارزش	- Your advice has been invaluable.
Priceless	valuable, precious, worth a lot/a fortune بسیار با ارزش	<ul style="list-style-type: none"> - priceless antiques - The look on his face when I walked in the room was priceless.
Valueless	بی ارزش	Valueless \neq priceless
Concatenation	سلسله - پی در پی	
Contribution	مشارکت - کمک	- The Mayo Clinic has made important contribution to cancer research.
Condemnation	محکومیت	- international condemnation of the war
Constitution	قانون اساسی - نهاد	<ul style="list-style-type: none"> - the Constitution of the United States - a boy with a strong/weak constitution

word	Meaning	Example
Attributed	نسبت داده شده	- Many diseases can be attributed to stress. - These paintings are generally attributed to Rembrandt. - Kindness is just one of her many attributes.
Tribute	ستایش - تکریم	- The concert will be a tribute to Bob Dylan.
Contribute	شرکت کردن	- Large companies contribute money to both parties. - Other people had good ideas, but I felt I had nothing to contribute. - An electrical problem may have contributed to the crash.
Distribute	give out, hand out/pass out, share, dispense توزیع کردن	- The Red Cross is distributing food and clothing to the refugees.
Disturbed	upset, mentally ill, unstable آشفته کردن - به هم ریختن	- an emotionally disturbed child
Disturb		- Keep your voices low, so you don't disturb the others. - Something about the situation disturbed him. - Do Not Disturb (=a sign that you put on a door so that people will not interrupt you) - a disturbing increase in crime
proliferation	گسترش - تاثیر	
Performance	اجرا	- The next performance is at 8 o'clock. - I was impressed with the car's performance on wet roads.
Perforated	سوراخ شده	a perforated eardrum
Prompt	attempt تلاش	- The changes prompted several people to resign from the committee in protest. - Prompt payment is requested.
Promotion	ارتقاء	- She received a promotion to lieutenant.
Emotion	احساسات	- David doesn't usually show his true emotions. - Her voice was full of emotion . - She trembled with emotion.
Emission	خروج گازها	- an emissions test (=a test to make sure the gases your car sends out are at the right level)

word	Meaning	Example
Found	تأسیس	- The college was founded in 1701. - The U.S. was founded on the idea of religious freedom.
Find	پیدا کردن	- I can't find my keys. - I can't find my keys. - Can you find the kids something clean to wear?
Fine	punishment, sentence, penalty	-a parking fine
	جریمه	- He was fined \$50 for speeding.
Lay	خواباندن	- Lay the peppers on the chicken. - Martha laid the down. - They laid the map on the table. - They laid the map on the table.
Lie	دروغ گفتن	- he's lying about her age. - Don't lie to me!
Lie	دراز کشیدن – خوابیدن	- We lay on the beach all day. -I lay awake worrying.
		- I'm going upstairs to lie down.
		- The town lies to the east of the lake. - The ship had lain on the ocean floor for decades.
		- The city lay in ruins. - The letters lay hidden in her attic for forty years.
Inhibit	مانع شدن	- The new treatments inhibit the spread of the disease. - Fear of criticism may inhibit a child's curiosity. - The goal is to inhibit the virus from healthy cells.
		- She wanted to dance with him, but felt too inhibited to tell him. - She seems to lose her inhibitions (=stops feeling worried or embarrassed) after a few drinks.
Inhabit	سکونت گزیدن	- The forest is inhabited by bears and moose. - the inhabitants of large cities

word	Meaning	Example
Realize	become aware	- Do you realize (that) you're an hour late? - it was only later that I realized my mistake.
	تشخیص دادن	
Release	رها کردن – آزاد کردن	- Three hostages were released this morning. - He released her arm when she screamed. - He released her arm when she screamed. - The movie will be released in time for Christmas. - After his release from prison, he worked as a carpenter.
Recognize	تشخیص دادن	- He'd lost so much weight I hardly recognized him! - Social workers have been trained to recognize the signs of child abuse. - The UN has refused to recognize the new government. - It's important to recognize that stress can affect your health. - His contribution to classical music should be recognized.
Remember	به یاد آوردن	- Do you remember that guy Anthony from school? - I don't remember meeting her before. - I remember (that) he had a broken leg that summer. - Mr. Daniels has lived there for as long as I can remember. - She suddenly remembered (that) she had to go to the dentist. - Remember to - On Memorial Day, we remember those who have died in wars.
Recall	به خاطر آوردن	- I don't recall meeting him. - I seem to recall (that) we had problems finding the place.
		- She has total recall (=ability to remember everything) of what she has read.
Remind	به یاد انداختن – تذکر دادن	- Remind me to tell you the story sometime. - Let me call Frank to remind him that we're picking him up at 8:00. - Carl reminds me of his father.
Remain	باقی ماندن	- The others left, while I remained at home. - Only half the statue remains. - Many questions remain to be answered. - It remains to be seen whether the operation was successful (=we do not know yet whether it was successful).
		- We visited the remains of the temple.

word	Meaning	Example
Cooperate	همکاری کردن	
Collaborate	همکاری کردن	- The author and illustrator wanted to collaborate on a book for children. - He was accused of collaborating with the Nazis.
		-Our departments worked in close collaboration on the project. - The project has involved collaboration with the geography department.
Eminent	famous, well-known, legendary, celebrated, renowned, noted, distinguished	- an eminent professor of medicine
	برجسته	
Imminent	غریب الوقوع	- We believe that an attack is imminent. - The city is not in imminent danger.
Imitate	تقلید کردن	- Jerry started imitating his uncle, and everyone laughed. - The first successful program was widely imitated in Latin America.
		- Harry does an excellent imitation of Elvis. - It's not an antique; it's an imitation. - an imitation leather/fur jacket
Inherent	ذاتی	- The problem is inherent in the system.
Expect	توقع داشتن	-The hotel bill came to more than we expected. -I'm expecting her to arrive any day now. -Republicans expect to win a majority in the House. -He had a right to expect (that) his conversation would be private.
		-Students are expected to return their homework on Friday. -Wanda's parents expect too much of her (=think she can do more than she really can).
Excerpt	انتخاب مطلب	- an excerpt from his poem.

word	Meaning	Example
Except	به جز	<ul style="list-style-type: none"> - We're open every day except Monday. - Everyone went to the show, except Scott and Danny. - I don't know anything about it, except what I've read in the newspaper. - It is like all the other houses, except that it's painted bright blue. - I have earrings just like those, except they're silver. - I'd go, except it's too far.
Accept	پذیرفتن	<ul style="list-style-type: none"> - They offered him the job, and he accepted. - Mr. - Ryan wouldn't accept any money from us. - They accepted our invitation to dinner. - She accepted his offer to repair the damage on her car. - He's not going to change, and you just have to accept it. - I accept that we've made mistakes. - It took Ann months to accept her son's death. - The jury accepted his story. - I've been accepted at/to Harvard. - At first, the kids at school didn't accept him. - We don't accept credit cards. - Benson accepts full responsibility for his crimes.
Extract	انتخاب کردن – جدا کردن	<ul style="list-style-type: none"> - I have to have a tooth extracted. - Olive oil is extracted from green olives. - The police couldn't extract any information from him. - an extract from the article
Exclude	شامل نشدن – لحاظ نکردن	<ul style="list-style-type: none"> - Women are excluded from the priesthood. - Some of the data was excluded from the report.
Include	شامل شدن – لحاظ کردن	<ul style="list-style-type: none"> - The price includes your flight, hotel, and car rental. - Tim's job responsibilities include hiring new teachers. - Service is included in the bill. - Homework exercises are included in the book. - You should include educational background on your résumé. - there were 20 people in the room, including the teacher.

word	Meaning	Example
Subscribe	نام‌نویسی برای چیزی	-What magazines do you subscribe to? -They obviously don't subscribe to his theory.
Circumscribe	دور چیزی خط کشیدن	-a circle circumscribed by a square
Circulate	چرخاندن	- Blood circulates around the body. - Rumors are circulating that the senator's health is getting worse. - I'll circulate the report at the meeting.
		- I feel like these tight shoes are cutting off circulation. - The newspaper has a daily circulation of 400,000. - The government has reduced the number of \$100 bills in circulation. - Open a window and get some circulation in here.
Described	توصیف کردن	- Kate gave a description of her new house. - Police have a detailed description of the missing child. - You fit the description of (=look like) a man seen running from the scene.
Calculate	محاسبه	- These instruments calculate distances precisely. - Researchers calculated that chances of having an accident rose 4.3%. - I'm trying to calculate how long it will take us to drive to Denver.
		- a calculated attempt to deceive the public
		- a calculated attempt to deceive the public - By their calculations, the debt will be paid off in four years.
Clarify	explain, tell, show, demonstrate, go through sth, elucidate	- I need you to clarify a few points. - Could you clarify what you mean? - Could you clarify what you mean?
	واضح کردن – روشن کردن توضیح دادن	

Word	Meaning	Meaning	Example
گونه	a group of animals or plants of the same kind that can breed with each other.	Species	Three different <u>species</u> of deer live in the forest.
Primate	a member of the group of mammals that includes humans and monkeys.	راسته پستانداران	Primates have lived on this planet for years
Creature	an animal, fish, or insect	موجود خیالی جانور	Native Americans believe that all living <u>creatures</u> should be respected
	an imaginary animal or person, or one that is very strange and frightening		<u>creatures</u> from outer space
Monster	an imaginary large ugly frightening creature	هیولا شی یا حیوان بزرگ	a sea <u>monster</u>
	an object, animal, etc. that is unusually large		The storm was a <u>monster</u> .
Fault	responsibility for a mistake	تقصیر خطا اشتباه نقص	It's not my <u>fault</u> (that) we missed the bus. The car got dented, but it was my own <u>fault</u> . My fault for not bringing enough money.
	a problem with something that stops it working correctly		a <u>fault</u> in the electrical system
	defect, problem, flaw, bug, imperfection		The cars are tested for <u>defects</u> before being sold.
Protection	something that protects someone or something, or the act of protecting something	حفاظت حمایت	environmental <u>protections</u> the <u>protection</u> of civil rights a hat offers / provides / gives <u>protection</u> against the sun
Deficiency	a lack of something that is needed	کمبود نقص قصور	a vitamin deficiency
	a weakness or fault in something		The computer system has serious deficiencies.
Nutrition	the process of getting the right types of food for good health and growth	تغذیه	good/poor <u>nutrition</u>

Word	Meaning	Meaning	Example
Ponder	to spend time thinking carefully and seriously about something	اندیشیدن تعمق کردن	Travers took a deep breath as <u>he pondered</u> the question.
Disclose	to make something known publicly	فاش کردن آشکار کردن	GM did not <u>disclose</u> details of the agreement.
Depict	to describe or show a character, situation, or event in writing or by using pictures	شرح دادن نمایش دادن مجسم کردن	the people depicted in the movie. The god is <u>depicted</u> as a bird with a human head.
Ascribe	to say that something is caused by a particular person or thing	نسبت دادن	Carter <u>ascribed</u> his problems to a lack of money.
Allege	to say that something is true, though it has not been proved	دلیل آوردن	Three students <u>alleged</u> that they had been expelled unfairly. Ms. Ruiz <u>alleges</u> that she was harassed.
	Accuse(to say that someone has done something wrong or illegal)		Norton was <u>accused of</u> murder. Are you <u>accusing</u> me of cheating?
Postulate	to suggest that something might have happened or might be true	فرض کردن ادعا کردن	The postulated conditions
Diverge	to be different, or to develop in a different way	از هم دور شدن	At this point, his version of events <u>diverges</u> from hers
Survive	to continue to live after an accident, illness, etc	زنده ماندن	Only one person survived the crash.
	to continue to live normally or exist in spite of difficulties		Few small businesses <u>survived</u> the recession. How do you manage to <u>survive</u> on such a low salary? It's been a tough few months, but I'll <u>survive</u> .
	to continue to exist after a long time		Only a few Greek plays have <u>survived</u> .
Foregone		قبلی	
Substantial	large in amount or number	اساسی قابل توجه محکم	She earns a substantial income. <u>substantial</u> evidence
	large and strongly made		a <u>substantial</u> piece of furniture
	big, large, sizable, prodigious, huge, enormous, vast, gigantic, massive, immense, colossal	حجیم	He earns a <u>substantial</u> amount of money.

Word	Meaning	Meaning	Example
Retrospective	relating to or thinking about the past	گذشته‌نگر	a <u>retrospective</u> look at Capra's movies
Preceding	happening or coming before something else	سابق قبلی	The events of the <u>preceding</u> week worried him. The <u>preceding</u> chapter discussed the economic effects of slavery in the Southern states.
Potency	the strength of the effect of a drug, medicine, alcohol, etc. on your mind or body	قدرت توانایی	high- <u>potency</u> vitamins
Resilience	≠ toughness	ارتجاعی بودن - انعطاف‌پذیری	The resilience of youth
Attribute	a good or useful quality	صفت خصوصیت	Kindness is just one of her many <u>attributes</u> .
	characteristic, quality, trait, feature, property		What <u>attributes</u> should a good manager possess?
Maturity	the quality of behaving in a sensible way like an adult	بلوغ کمال	He has a lot of <u>maturity</u> for a 15-year-old.
	the time when a person, animal, or plant is fully grown or developed		Rabbits reach <u>maturity</u> in only five weeks . Few of the plants grew to <u>maturity</u> .
	the time when a financial arrangement, such as a bond or policy, is ready to be paid		With these particular bonds, interest is paid <u>at maturity</u>
Discretion	the ability to be careful about what you say or do in a particular situation, so that you do not upset or embarrass people	احتیاط	This situation must be handled with <u>discretion</u> .
	the ability and right to decide what should be done in a particular situation		Pay raises are left to the discretion of the manager. Prisoners are released
			The president has the <u>discretionary</u> authority to send troops
Aggression	angry or threatening behavior, especially in which you attack someone	پرخاشگری	an act of <u>aggression</u>
Pragmatism	a tendency to deal with problems in a pragmatic way	مصلحت‌گرایی	He is a politician kown for his prgmatism
Attendance	the number of people	حضور	an average attendance of

Word	Meaning	Meaning	Example
	who attend an event, such as a meeting, concert, etc.	حضور یافتن حضور	4,000 fans per game . Be quiet while I take <u>attendance</u> (=count how many students are in class today).
	The act of regularly going to a meeting, class, etc.		He continued his daily <u>attendance</u> at Mass.
Elicit	to get information, a reaction, etc. from someone when this is difficult	استنباط کردن استخراج کردن	Short questions are more likely to <u>elicit</u> a response.
Register	to record a name, details about something, etc. on an official list	ثبت کردن ثبت نام منطبق کردن وارد دفتر کردن	the car is <u>registered</u> in my sister's name.
	to officially arrange to attend a particular school, university, or course		How many students have <u>registered</u> for Beginning Japanese?
	to express a feeling or opinion about something		her face <u>registered</u> surprise and shock.
	if an instrument registers an amount, or if an amount registers on it, the instrument shows or records that amount		The thermometer <u>registered</u> 74°F.
Perceive	to understand or think about something in a particular way	درک کردن دیدن فهمیدن دریافت ملاحظه کردن	The government was widely <u>perceived</u> as corrupt. Investors will pull out if they perceive that the economy is failing.
	to notice something that is difficult to notice		The sound is too high to be <u>perceived</u> by humans.
Undergo	if you undergo a change, a bad experience, etc., it happens to you or is done to you	دستخوش شدن متحمل شدن	He'll have to <u>undergo</u> major heart surgery.
Reside	to live in a particular place	ساکن شدن	They <u>reside</u> in the northern part of the city.
Submit	surrender, give in, concede, yield	ارائه کردن تسلیم شدن	I <u>submitted</u> my plan to the committee yesterday.
	to give a plan, piece of writing, etc. to someone in authority so that s/he can consider or approve it	سرفرود آوردن	Derek has agreed to submit to questioning.

Word	Meaning	Meaning	Example
	to obey someone who has power over you, especially because you have no choice		They refused to <u>submit</u> to the kidnapper's demands.
Proceed	to continue to do something that has already been planned or started	پیش بردن ادامه دادن	We will <u>proceed</u> with the negotiations. The project seemed to be <u>proceeding</u> smoothly.
	to move in a particular direction		Please <u>proceed</u> to the nearest exit.
	to do something next		He took out his wallet, and <u>proceeded</u> to count out enough money to pay for the meal.
Embody	to be the best example of an idea or quality	در بر داشتن	Mrs. Miller <u>embodied</u> every thing I admire in a teacher.
In turn	instead of	در عوض	—
By contrast	against	در مقابل	—
On the other hand	≠ on the one hand	از طرف دیگر	—
Vice versa	used when the opposite of a situation you have just described is also true	برعکس بطور عکس در جهت مخالف	Whatever Susie wants, James doesn't, and vice versa.
retrieve	باز خوانی اطلاعات - پس گرفتن - جبران کردن -	Get s.th back regain - recover Recoup- reclaim Win back	It took 4 days to retrieve all the bodies from the crash.
fabricate	ساختن - تقلید و جعل کردن	Make up - invent - cook up	The police were accused of fabricating evidence.
proceed	پیامد - ناشی شدن - حرکت کردن - عایدات	Continue - last - go on - carry on - persist - progress - drag on	The government was determined to proceed with the election.
absorb	جذب کردن	Digest - take in - assimilate - skin in	Plants absorb nutrients from the soil.
ponder	فکر کردن	Consider - think - reckon figure	The continued to ponder as he walked home.
accompany	همراه شدن - جفت کردن - توام کردن	With - together along with - join assistance	Children under 14 must be accompanied by an adult.
navigate	هدایت کردن - طبیعت - ذات	Direct - manage show way	Long ago explorers used the stars to navigate.

Word	Meaning	Meaning	Example
probe	جستجو کردن	Look in to – search go in to – investigate enquiry - solve	I don't want to probe too deeply in to your personal affairs.
revolve	تحول پیدا کردن – متحول کردن	Turn – go around – spin – rotate whirl – spiral – swirl – circle - twirl	The wheel began to revolve.
reconcile	آشتی دادن	Peace	The possibility remain that the 2 theories may be reconcile.
revoke	لغو کردن – پس گرفتن	Cancel - get back abolish	Their work permits have been revoked.
recounted	باز شماری	recomputed	Alan recounted how he and Sara had met.
detested	تنفر داشتن کتمان کردن	Hate – cant stand- loath – despise- abhor	Liza and mo detested each other.
speculate	حدس زدن حدس حساب شده	Guess- estimate- put s.th at	John refused to speculate about what might happen.
found	تاسیس کردن برپا کردن	establish	Eton college was founded by Henry VI in 1440.
fostered	تسریع کردن پرورش دادن	Encourage - promote	The bishop helped foster the sense of community embracing all class.
Divergence ≠ convergence	واگرایی همگرایی	Getting far from each other	The 2 species diverged millions of years ago.
resolution	وضوح تصویر تصمیم - دقت - تفکیک پذیری	Clear picture	This camera doesn't have enough resolution.
impediment	مانع - سد - عایق	Problem – obstacle hindrance impediment – barrier blocked	War is one of the greatest impediments to human.
phenomena	پدیده - حادثه	Event – things – occurrence – incident happening	Language is a social and cultural phenomenon.
prosperity	سعادت - خوشبختی	Welfare – luck – gaiety – bliss – salvation - happiness	A time of economic prosperity.

Word	Meaning	Meaning	Example
approximation	نزدیکی - تقرب	Nearness approaching - related intimate	It was the nearest approximation to a crisis shed.
inspiration	الهام	Brain wave – stroke of genius – bright idea	He had a sudden flash of inspiration.
advocacy	حمایت - پشتیبانی	Public support protection – be with	Extremists were openly advocating violence.
extension	اضافی - گسترش - تمدید	Addition supplement – extra add on	The extension of the jubilee underground line.
composition	ترکیب - ساخت قطعه هنری	Piece/piece of music Supplement – song work - number	Some minerals have complex chemical composition.
impression	ادراک - احساس - گمان - اثر	Appearance semblance of imitate – mimic	My first impression of London was not very good.
inclination	تمایل - طبیعت - سیرت	Tend to do s.th – have a tendency to do s.th – be apt to do s.th	My natural inclination was to say no.
conviction ≠ acquit	مجرم - جانی	Prove sb. guilty – find sb. guilty	A woman of strong political conviction.
homogenize	یکجور و همجنس کردن	Uniform - same	Plans to homogenize the various school systems.
demonstration	نمایش - اثبات - تظاهرات	Protest – march – boycott - riot	Police open fire on a peaceful demonstration.
erection	برافراشتن - ساختن	Build – put up – construct – go up – vertical – up right - perpendicular	The erection of the new temple.
Spontaneous	خود به خود - بی اختیار	Unplanned – impromptu – not well thought out – ad hoc	The crowd gave a spontaneous cheer.
comprehensive	جامع - وسیع - فراگیر	Complete – through – full – exhaustive – in- depth	We offer our customer a comprehensive rang of financial products.

Word	Meaning	Meaning	Example
preoccupied	پر مشغلہ - گرفتار	Be engrossed in – be wrapped up in – be absorbed in – immerse – yourself in	What is wrong with Cindy? She seems a little preoccupied.
primitive	ابتدائی - اولیہ - بدوی	Simple – base – crude – rudimentary - unsophisticated	The tools used by primitive man.
immense	بسیا - بی کران پہناور - وسیع	Enormous – big- major – large – great – huge – large scale	People who travel by rail steal read an immense amount.
Distinctive	مشخص - ممتاز - تک	Unique – be on e of a kind – individual	A rock bond with a distinctive sound
inevitable	اجتناب ناپذیر - حتمی	Predestined – be meant to be	A further escalation of the crisis now seems inevitable.
opaque	مات - کدر	Frosted – difficult to see through	A shower with an opaque glass door.

(Section Two)**بخش ۲****Vocabulary****واژگان کلیدی**

این بخش خود به ۵ درس تقسیم شده است. ساختار هر درس به شکل زیر است:
ابتدا لیستی ده تایی از واژگان ارائه شده است. بعد از هر گروه واژه، ۱۰ (ده) جمله ناقص آمده است.
با توجه به واژه‌های داده شده جمله‌ها را کامل کنید و پاسخ‌های خود را با پاسخ‌های داده شده مقایسه کنید.

در پایان هر درس ۳۰ تست واژگان، همراه با پاسخ تشریحی آورده شده است.

واژگان درس ۱

action, activity, airline, aspect, available, by means of, block, capacity, central, chemist.

1. Do you know which ... has a more regular service of transportation?
2. It is only one ... from here to the post office.
3. An Iranian ... has recently made a new drug for the treatment of skin cancer.
4. We couldn't bring the machine into ... ; that is why we had to ask you to operate it.
5. We made use of all ... means to inform you of the danger.
6. In hospitals, medical students learn about the practical ... of medicine.
7. I am too old to have a life full of
8. We sent the message ... electronic mail (e-mail).
9. A computer has the ... to store a large amount of information.
10. We live in the ... part of the city.

come, constantly, deny, design, designer, disabled, drug, endeavour, entertainment, exactly.

11. Tell me ... what you expect me to do for you.

12. These blouses ... in three sizes.

13. I'm sure the man will ... having stolen the money.

14. Not all TV programs are for ... ; most of them give us a lot of information as well.

15. The heart is ... working, sending blood to all parts of the body.

16. You'll feel well after taking this

17. A German factory is going to ... a new car, which is smaller but more powerful than present ones.

18. My sister is the ... of wall - papers.

19. I made every ... to make him study hard, but he wouldn't listen to me.

20. A ... man who had lost one of his legs in the war was able to climb this mountain.

furthermore, giant, go straight on, handle, in addition to, influence, inform, on your left, orbit, otherwise.

21. Your son is a hard-working student; ..., he is very bright.

22. I don't have any money on me; ..., I would lend you some.

23. The railway station is three blocks down this street,

24. If you want to get to the museum, ... until you come to a park. It is opposite the park entrance.

25. ... studying in this university, he has a part-time job there.

26. In addition to the earth, there are other planets that ... the sun.

27. They have designed a(n) ... airliner that can transport about 1,000 passengers each time.

28. Don't let anyone ... your decision.

29. I was surprised to see that he was able to ... such a difficult job.

30. If you ... me of your arrival, I will meet you at the airport.

پاسخ واژگان درس ۱

- ۱- آیا می‌دانید کدام شرکت هواپیمایی سرویس حمل و نقل منظم‌تری دارد؟
1. airline:
- ۲- از این جا تا اداره‌ی پست، فقط یک چهارراه فاصله است.
2. block:
- ۳- یک داروساز ایرانی اخیراً داروی جدیدی برای معالجه‌ی سرطان پوست درست کرده است.
3. chemist:
- ۴- نتوانستیم ماشین را به کار بیندازیم. به این دلیل است که مجبور شدیم از شما خواهش می‌کنیم آن را راه بیندازید.
4. action:
- ۵- از همه‌ی وسایل موجود استفاده کردیم تا شما را از خطر آگاه کنیم.
5. available:
- ۶- در بیمارستان‌ها، دانشجویان پزشکی، جنبه‌ی عملی طب را می‌آموزند.
6. aspect:
- ۷- سن من بیشتر از حدی است که زندگی پر فعالیت داشته باشم.
7. activity:
- ۸- پیام را به وسیله‌ی پست الکترونیکی فرستادیم.
8. by means of:
- ۹- کامپیوتر، ظرفیت آن را دارد که اطلاعات زیادی ذخیره کند.
9. capacity:
- ۱۰- در قسمت مرکزی شهر زندگی می‌کنیم.
10. central:
- ۱۱- دقیقاً به من بگو از من چه انتظاری داری؟
11. exactly:
- ۱۲- این بلوزها در سه اندازه موجود هستند.
12. come:
- ۱۳- مطمئن هستم که مرد دزدیدن پول را انکار خواهد کرد.
13. deny:
- ۱۴- همه‌ی برنامه‌های تلویزیونی برای سرگرمی نیستند. اکثر آن‌ها اطلاعات زیادی هم به ما می‌دهند.
14. entertainment:
- ۱۵- قلب پیوسته در حال کار است و خون را به تمام قسمت های بدن می‌رساند.
15. constantly:
- ۱۶- بعد از مصرف دارو، حالتان خوب خواهد شد.
16. drug:
- ۱۷- یک کارخانه‌ی آلمانی قصد دارد اتومبیل جدیدی طراحی کند که کوچک تر اما قوی‌تر از اتومبیل فعلی است.
17. design:
- ۱۸- خواهرم طراح کاغذ دیواری است.
18. designer:
- ۱۹- تمام تلاشم را کردم که او را وادار کنم بیشتر درس بخواند، اما به حرف‌های من گوش نمی‌داد.
19. endeavor:
- ۲۰- مرد معلولی که یکی از پاهایش را در جنگ از دست داده بود، توانست از این کوه صعود کند.
20. disabled:
- ۲۱- پسرستان دانش‌آموز سخت‌کوشی است؛ به علاوه، با استعداد است.
21. furthermore:
- ۲۲- با خودم هیچ پولی ندارم، در غیر این صورت، مقداری به تو قرض می‌دادم.
22. otherwise:

- ۲۳- ایستگاه راه‌آهن با سه چهار راه فاصله در انتهای این خیابان سمت چپ است. 23. on your left:
- ۲۴- اگر می‌خواهید به موزه برسید، راست بروید جلو تا به یک پارک برسید. 24. go straight on:
- موزه مقابل ورودی پارک است.
- ۲۵- علاوه بر تحصیل در این دانشگاه، شغل پاره‌وقتی هم در آن جا دارد. 25. In addition to:
- ۲۶- علاوه بر زمین، سیاره‌های دیگری هم هستند که دور خورشید می‌چرخند. 26. orbit:
- ۲۷- هواپیمای مسافری عظیمی طراحی کرده‌اند که می‌تواند هر بار، هزار نفر 27. giant:
- مسافر را جابه‌جا کند
- ۲۸- اجازه ندهید کسی روی تصمیم شما تأثیر بگذارد. 28. influence:
- ۲۹- متعجب شدم که دیدم قادر است از عهده‌ی چنین کار مشکلی برآید. 29. handle:
- ۳۰- اگر از ورودت مرا مطلع کنی، در فرودگاه به استقبالت خواهم آمد. 30. inform:

تست واژگان درس (۱)

1. A: I wonder if you can give a lecture on education:

B: I'm afraid I can't. Education is not my ...

- 1) art 2) action 3) field 4) task

2. Would you switch the TV ... to channel 5? I am tired of this program.

- 1) over 2) off 3) through 4) on

3. My computer is so slow in ... information.

- 1) designing 2) processing 3) denying 4) performing

4. Computers can do a(n) ... of operations on the information which is fed into them.

- 1) size 2) amount 3) means 4) series

5. My son's field of ... is computer. He enjoys working with it.

- 1) endeavour 2) success 3) interest 4) series

6. I felt that they ... their conversation to a different topic when I came in.

- 1) switched 2) denied 3) designed 4) orbited

7. A: What is your job? B: I ... dresses; in fact, my field is new fashions.

- 1) change 2) design 3) research 4) program

8. All the three ... orbiting Mars are busy sending interesting information.

- 1) spacecrafts 2) airplanes 3) air - liners 4) airports

9. A ... wave destroyed the ship and many of the passengers lost their lives.

- 1) tiny 2) giant 3) constant 4) superhuman

10. Some planets have more than one moon ... round them.

- 1) receiving 2) researching 3) switching 4) orbiting

Introduction

مقدمه

1. What is Reading Comprehension?

۱- درک مطلب (خواندن) چیست؟

از مهارت خواندن، به عنوان مهم‌ترین مهارت در یادگیری زبان خارجی نام برده‌اند. شاید دلیل این امر قابل دسترس بودن متون زبان خارجی باشد، چرا که نمی‌توان محیطی مشابه با محیط واقعی زبان، برای آموزش آن خلق کرد. پس برای کسب اطلاعات زبانی به ویژه واژگان زبان خارجی باید به متون آن زبان رو بیاوریم.

متخصصین آموزش زبان‌های خارجی و زبان‌شناسان بر این باورند که هنگام خواندن متن، خواننده (زبان‌آموز) در حال تبادل اطلاعات با فردی است که متن را نوشته است. در حقیقت نوعی گفتگو بین خواننده و نویسنده برقرار می‌شود که حاصل آن، دریافت اطلاعات درون متن از سوی خواننده است. بسیاری معتقدند، برای فهمیدن متن خواننده باید از اطلاعات قبلی خود (background knowledge) استفاده کند تا بتواند با متن ارتباط بهتری برقرار کند، چرا که کسب اطلاعات نوین و طبقه‌بندی آنها در ذهن مستلزم پیوستن آنها به اطلاعات قبلی است. در غیر این صورت فرد مطالب مجزاً و گاهی بی‌معنایی را به ذهن می‌سپارد که به هیچ‌وجه نمی‌تواند در مواقع ضروری و به ویژه هنگام تفکر و تأمل عمیق از آنها بهره ببرد.

2. Reading Types

۲- انواع خواندن

درک مطلب مهارتی است که با توجه به «هدف» خواننده می‌تواند انواع و اقسام گوناگونی داشته باشد. طراحان پرسش‌های کنکور کارشناسی ارشد نیز به این مهارت توجه خاصی نشان داده‌اند و لازم است دانشجویان و دانش‌پژوهان عزیز برای فراگیری هر چه بهتر این مهارت مهم تلاش نمایند. همانطور که در بالا اشاره شد «هدف» ما از خواندن روی نحوه خواندن و مهارتی که به کار می‌گیریم تأثیر شگرفی دارد. مثلاً وقتی در پی اطلاعات کلی متن هستیم نیازی به توجه زیاد روی مطالب جزئی نداریم، و هنگامی که در پی نام یک شخص، تاریخ یک واقعه، یا چیزی بسیار جزئی هستیم، نیازی نیست که کل متن را مطالعه کنیم.

خواندن را به طور کلی به انواع زیر تقسیم می‌کنیم.

۱-۲ خواندن عمیق (Intensive): در این نوع خواندن، متن را با توجه و دقت زیاد می‌خوانیم، به تمامی جزئیات متن دقت می‌کنیم. روابط بین جمله‌ها را پیدا می‌کنیم و اگر لغت جدیدی در متن وجود دارد، با مراجعه به فرهنگ لغت به معنی یا معانی مختلف آن پی می‌بریم. متن را تجزیه و تحلیل می‌کنیم و سعی می‌کنیم همه چیز آن را فرا بگیریم.

۲-۲ خواندن جامع (Extensive): هدف از این نوع خواندن، حفظ اطلاعات زبانی است. یعنی حفظ همان اطلاعات ارزشمندی که در حیطه واژگان و درک مطلب، حتی دست‌ورزبان با کوشش فراوان از طریق «خواندن عمیق» به دست آورده‌ایم. خواندن کتاب‌های داستان، مجلات، روزنامه‌ها و ... در حقیقت کوششی است که برای حفظ اطلاعات خود و کسب برخی اطلاعات جدید انجام می‌دهیم. در این نوع خواندن معمولاً خواننده به کلمات متن توجه می‌کند و سعی می‌کند لغات جدید را با توجه به متن حدس بزند و هر چه سریع‌تر و بیشتر بخواند و از متن لذت ببرد. دوباره خوانی و حتی چندبار خوانی مطالب کمک زیادی به پیشرفت زبان فرد کرده و به نهادینه شدن اطلاعات او منجر می‌شود.

۳-۲ خواندن اجمالی (Skimming): این نوع خواندن یکی از مهم‌ترین فنونی است که هر زبان‌آموزی به آن نیازمند است چرا که در پاسخ‌گویی پرسش‌های مختلف بسیار راه‌گشا و سودمند است. خواندن اجمالی یا «تورق کردن» یعنی خواندن سریع متن به منظور کسب اطلاعات بسیار کلی مانند: ایده اصلی (Main idea)، هدف نویسنده (Writer's purpose) و جای اطلاعات خاصی در متن (location) و سازمان‌بندی کلی متن (text organization) و چیزهایی از این قبیل. در حقیقت در این نوع خواندن با توجه به نوع اطلاعات خواسته شده، به متن نگاهی اجمالی و کلی می‌اندازیم و در راستای پرسش مطرح شده، پاسخ لازم را پیدا می‌کنیم. مثال:

متن زیر را بخوانید و به سؤالات آن پاسخ دهید.

Heart attack might happen because the amount of blood the muscles need is very low. This is commonly caused by a blood, clot blocking an artery in the heart. Heart attacks can be mild or very severe. If you see somebody who has a pain in his chest, call

1) she liked darkness.

2) she hated darkness.

3) She was blind.

4) she lived in a darkroom.

با توجه به این که در جمله‌ی قبل از این عبارت می‌خوانیم:
 a sudden illness destroyed her sight یعنی بیماری ناگهانی قدرت بینایی و ... او را از بین برد.
 یعنی با توجه به واژه sight درمی‌یابیم که او نابینا شده است و (جهان تاریکی) world of darkness
 کنایه‌ای است از نابینا شدن. پاسخ گزینه ۳ است.
 معنای سایر گزینه‌ها نیز به شکل زیر است:

- (۱) تاریکی را دوست داشت. (۲) از تاریکی متنفر بود.
 (۳) نابینا بود (۴) در اتفاقی تاریک زندگی می‌کرد

3. The word “accepted” in line 5 could be best replaced by:

- 1) rejected 2) admitted 3) prevented 4) provided

پاسخ: سؤال معنای لغت خاصی را پرسیده است، «واژه‌ی accepted» در سطر ۳ می‌تواند با لغت ... عوض
 شود، «با کمک scanning تمام سطر ۳ را به دقت می‌خوانیم و پی‌می‌بریم که خانم سالیوان، معلمه‌ی هلن
 کلر، کار به نظر غیرممکن و سختی را پذیرفته بوده است. نزدیک ترین معادل برای این واژه “accepted”
 به معنای پذیرفتن، واژه “admit” است. سایر گزینه‌ها:

- (۱) نپذیرفت (۲) پیشگیری کرد (۳) فراهم کرد (۴) فراهم کرد

نکته: اگر بتوانید مهارت خواندن را در خود تقویت کنید، از مطالعه و خواندن به زبانی دیگر واقعاً احساس
 لذت و شور و شغف می‌کنید. دنیایی را می‌یابید که تاکنون برایتان ناشناخته بوده است، واژه‌های جدید با شما
 حرف می‌زنند و می‌اندیشید که انسان دیگری درون شما خلق شده است.

۳- پرسش‌های درک مطلب و شیوه‌ی پاسخگویی به آنها

(الف) روش‌های کلی:

- ۱- متن را به شیوه skimming بخوانید.
 - ۲- پرسش‌ها را نیز به شیوه skimming از نظر بگذرانید.
 - ۳- با توجه به نوع پرسش‌ها، سعی کنید ابتدا پرسش‌های ساده‌تر را پاسخ دهید.
 - ۴- برای پرسش‌های عمیق و سخت به متن بازگردید و مطالب مهم را از طریق scanning دوباره بخوانید.
- نکته:** هرگز با صدای بلند متن‌ها را نخوانید. وقتی به سؤالات درک مطلب پاسخ می‌دهید تلفظ اسامی و واژه‌ها
 چندان اهمیتی ندارد، لذا خود را درگیر این گونه مسایل نکنید، گرچه تلفظ صحیح یکی از ارکان آموزش زبان
 است اما پرداختن به آن هنگام پاسخ‌گویی به سؤالات وقت شما را تلف می‌کند و تمرکز شما را به هم می‌ریزد.
 پس از همین ابتدا با خود قرار بگذارید روش خواندن در سکوت یعنی (Silent Reading) را در خود تقویت
 کنید.

نکته: تمامی سؤالات و گزینه‌های هر سؤال را به دقت تا انتها بخوانید.

(Section One)

بخش ۱

آموزش درک مطلب

دانشجویان گرانقدر همانطور که می‌دانید در تمامی آزمون‌های کارشناسی ارشد ۱۵ سؤال reading وجود دارد که بیشتر رویکرد تخصصی دارد بدین معنی که مطالب تخصصی هر رشته به زبان انگلیسی مورد پرسش قرار می‌گیرد. آشنایی با مهارت خواندن و شیوه پاسخگویی به این گونه پرسش‌ها در این جا مطرح شده است.

در این بخش، شیوه خواندن متون به شما ارائه می‌گردد. آنچه در این جا ارائه شده است کوششی است در جهت آشنا کردن ذهن عزیزان دانشجو با شیوه صحیح متن خوانی. امیدوارم با به کار بستن راهکارهای ارائه شده بتوانید سطح یادگیری خود را افزایش دهید و در آزمون‌ها نیز موفق‌تر از گذشته به پرسش‌ها پاسخ گوئید. دوستان، ابتدا یک بار از روی متن بخوانید. به هنگام خواندن متن روی قسمت واژه‌نامه‌ها که در کنار متن آمده است را بپوشانید. سعی کنید لغاتی را که نمی‌دانید حدس بزنید. بعد از این که متن را برای بار دوم خواندید زیر لغات جدید متن خط بکشید و باز سعی کنید با توجه به معنای کلی جمله‌ها معنی واژه‌ها و عبارت‌های جدید را حدس بزنید. برای درک بهتر متن و رفع اشکال‌های احتمالی می‌توانید یافته‌های خود را با واژه‌نامه مقایسه کنید.

توجه: قبل از خواندن متن‌ها، روش‌های مطالعه‌ی درک مطلب و راهکارهای تدریس شده در مقدمه‌ی فصل حاضر را بخوانید.

1) You know what exercise is, but do you know why exercise is important? It is important, because, it keeps people's bodies and minds healthy. Without it, we would not be feeling or looking very good. Actually, there are so many reasons why exercise is good for you. It is time to get right into it and see why it is good to be fit!

Key Words

You know	می‌دانید
What exercise is	که ورزش چیست
Why exercise is important	که چرا ورزش مهم است
It keeps people's bodies and minds healthy	(ورزش) فکر و بدن - انسان‌ها را سالم نگه می‌دارد.
Keep healthy	سالم نگه داشتن
Would not be feeling	احساس نخواهیم کرد/ نخواهیم بود
So many reasons	دلایل بسیار زیادی
It is time to	وقت آن رسیده است که
Get right into it	که به سراغ ورزش برویم
To be fit	بدن متناسب داشتن - سر وزن بودن

1. Exercise is good, because it ...

- 1) only keeps our mind healthy
- 2) keeps out body and mind healthy
- 3) would feel very good
- 4) has a lot of reasons

یادآوری: سؤال از نوع stated است. یعنی این که پاسخ در متن دقیقاً ذکر شده است.

- در سطر دوم دقیقاً ذکر شده است. ورزش خوب است زیرا

- | | |
|------------------------------------|---------------------------------------|
| (۱) فقط ذهن ما را سالم نگه می‌دارد | (۲) فکر و بدن ما را سالم نگه می‌دارد. |
| (۳) احساس خوبی دارد. | (۴) دلایل زیادی دارد. |

پاسخ: گزینه (۲).

2. "Looking very good" in line 3 is equal to ...

- 1) looking at people around you
- 2) seeming to people around you
- 3) watching others in a good manner
- 4) seeing others clearly

یادآوری: لغات مشابه و هم معنی را به ذهن بسپارید و به تفاوت‌های ریز معنایی آنها توجه کنید.

با توجه به کل جمله که با without شروع می‌شود، در می‌یابیم که بدون ورزش ما احساس خوبی نخواهیم داشت (شاداب نخواهیم بود) و خوب نیز به نظر نمی‌رسیم (یعنی در نظر دیگران خوب جلوه نمی‌کنیم).

- | | |
|--------------------------------------|-------------------------|
| (۱) نگاه کردن به مردم پیرامون خودمان | (۲) به نظر دیگران رسیدن |
| (۳) تماشای مردم به روشی نیکو | (۴) دیدن دیگران به وضوح |

پاسخ: گزینه (۲).

3. "It is to get right into it!" in lines 4, 5 means: it is time to ...

- 1) take the correct way
- 2) move to the right hand
- 3) see what is right and what is wrong
- 4) think of it exactly and immediately

یادآوری: اصطلاحات و عبارت‌های مهم را طبقه‌بندی کنید و در دفترتان بنویسید با مراجعه مداوم به آنها مطالب را به خاطر بسپارید.

عبارت get right into something به معنای پرداختن به چیزی به طور دقیق و بدون فوت وقت است.

- | | |
|---|--|
| (۱) راه درست را انتخاب کردن | (۲) به سمت راست حرکت کردن |
| (۳) ببینید چه چیز درست است و چه چیز غلط | (۴) به چیزی به دقت و بلافاصله فکر کردن |

پاسخ: گزینه (۴).

Section Three

بخش ۲

نمونه تست‌های درک مطلب کنکورهای کارشناسی ارشد

Most scientists reckon that by resting our bodies, we allow time for essential maintenance work to be done. Any damage can be put right more quickly if energy isn't being used up doing other things. Scientists are able to study what goes on in people's heads while they sleep. They have discovered that when we first drop off the heart beats more slowly and our breathing becomes shallow. After about 90 minutes, we go into REM sleep. REM stands for Rapid Eye Movement, and it's a sign that we've started to dream.

You have dreams every night, even if you don't remember them. There are all sorts of theories about why we dream. One is that it gives the brain a chance to sort out the day's activities, filing everything away in the right place. Another is that the brain gets bored while we're asleep and organizes its own entertainment – a sort of late- night cinema!

Some people have to have eight hours of sleep every night while others seem to manage on a lot less, however, we all need some sleep. An American Jockey, who stayed awake for 200 hours to raise money for charity, thought things were bursting into flames all around him after 120 hours without sleep. He survived the ordeal but was depressed for 3 months afterwards.

Humans are unusual in the way they sleep. Most animals have a sleep during the day and tests have shown that a nap can be beneficial for us too. It's even been recommended that airline pilots should have a nap during long flights. That way they are more alert for the tricky business of landing.

1. Scientist have discovered that

- 1) some people never remember their dreams.
- 2) people's eyes move when they are dreaming
- 3) we can study what goes on in people's heads
- 4) most people dream for 90 minutes every night

2. What does the writer say about people's and animals' sleeping habits?

- 1) People would benefit from copying animal's sleeping habits.
- 2) Animals usually need more sleep than people.
- 3) People and animals have similar sleeping habits.
- 4) People sleep during the night but animals sleep during the day.

3. Considering the amount of sleep we need, the writer says that

- 1) people who do sleep enough get depressed
- 2) most people need eight hours' of sleeping a night.
- 3) people who sleep too little start imagining things.
- 4) not everyone needs the same amount of sleep.

4. Most scientists believe that we sleep because

- 1) all our energy has been used up
- 2) our brains are tired and need to rest
- 3) the heart requires beating more slowly
- 4) our bodies need to carry out repair work.

5. The word "it" in line 9 refers to

- 1) dreaming
- 2) every night
- 3) one theory
- 4) remembering

6. The American jockey fell asleep after

- 1) 3 months
- 2) 120 hours
- 3) 200 hours
- 4) 320 hours

Dinosaurs, a group of numerous different kinds of reptiles, lived during the earth's Metazoic age, a period which began almost 220 million years ago. There are no dinosaurs still in existence. These animals became extinct more than 70 million years ago. Nevertheless, the habits of these prehistoric creatures are of continuing interest to scientists who search for and study dinosaur remains in an effort to learn more about how the earth developed.

Some dinosaurs consumed only plants, but others ate meat. Tyrannosaurus Rex, a large flesh-eating dinosaur, has long been regarded as the most frightening of all. It stood 20 or more feet tall, and used its enormous (very big) tail to help balance on an overall length of up to 50 feet. The animal, whose name means "the Cruel King" moved about widely throughout what is now the continent of North America. Claws nearly a foot long, and a mouth full of sharp, six-inch teeth, enabled Tyrannosaurus Rex to kill and cut the body of any animal it saw into pieces as a potential meal.

In January, 1983, Bill Walker, an amateur fossil hunter, found an enormous claw in a hole near Surrey, England. Walker suspected that this claw was not from any ordinary creature. Scientists have confirmed that Walker found the remains of a dinosaur even more fearful than Tyrannosaurus Rex. The new discovery had claws nearly twice as long as those of any previously found dinosaur. Although the animal probably stood no more than 15 feet high, its built-in weapons show that it was extremely wild. "the Cruel King" may not have been the most terrible after all.

7. Animals which are "extinct"

- 1) usually eat other animals
- 2) defend themselves well
- 3) don't exist anymore
- 4) frighten other animals

پاسخ‌های تشریحی درک مطلب کنکورهای ارشد

واژگان متن ۱

reckon: consider, guess, estimate	گمان کردن، حدس زدن، تخمین زدن
essential: necessary, needed	ضروری
maintenance: up keep	نگهداری کردن
Damage: harm, injury	آسیب، زیان
used up: finish, run out, end	تماماً مصرف شده
discover: find, gain knowledge	دریافتن، پی‌بردن، کشف کردن، کسب دانش
drop off: go to sleep, fall asleep	به خواب رفتن
heart beat	ضربان قلب
breathing: respiration, inhaling and exhaling	تنفس، دم و بازدم
shallow: not deep, breathing in very little air	کم عمق، کم نفس کشیدن
rapid: quick, fast	سریع
movement: motion	حرکت
sign: mark	نشانه، علامت
dream	خواب دیدن
remember: recall to the mind	به یاد آوردن
sort of: kind of	انواع
brain	مغز
chance: opportunity	شانس، فرصت
sort out, classify, categorize	رده‌بندی کردن، طبقه‌بندی کردن
filing	بایگانی کردن
board: weary, tired	خسته
entertainment: fun	سرگرمی
others seem to manage on a lot less.	به نظر می‌رسد برخی می‌توانند کمتر از این بخوابند.
Jockey: DJ	
awake: not sleeping	بیدار
charity	خیرات
bursting into flames: ignite, start to burn	مشتعل شدن، آتش گرفتن
survived: out live	زنده ماندن

ordeal: hardship	کارشاق، کار عظیم
afterwards: subsequently	بعداً، پس از آن
nap: light sleep, short sleep	چرت زدن
beneficial: advantageous	سودمند، نافع
recommended: advised, suggested	توصیه کرده، سفارش شده
airline	شرکت هواپیمایی
pilot: fly a plane	خلبان
flight: trip on airplane, flying	سفر هوایی، پرواز کردن
alert: warning, alarm	گوش به زنگ
tricky: difficult, sly	سخت، نیرنگ‌آمیز، مهارت آمیز

۱. دانشمندان کشف کرده‌اند که ...

- (۱) بعضی از مردم هیچ‌گاه خواب هایشان را به یاد نمی‌آورند.
- (۲) وقتی که چشمهای مردم حرکت می‌کند، آنها خواب می‌بینند.
- (۳) ما می‌توانیم بررسی کنیم که در سر مردم چه می‌گذرد.
- (۴) بیشتر مردم هر شب ۹۰ دقیقه خواب می‌بینند.

پاسخ: گزینه (۲).

۲. نویسنده دربارهٔ عادات خوابیدن انسان‌ها و حیوانات چه گفته است؟

- (۱) مردم از کپی کردن روش خوابیدن حیوانات منفعت بردند.
- (۲) حیوانات معمولاً نیاز بیشتری به خوابیدن دارند تا انسان‌ها.
- (۳) انسان‌ها و حیوانات عادت خوابیدن مشابهی دارند.
- (۴) انسان‌ها در طول شب می‌خوابند ولی حیوانات در طول روز می‌خوابند.

پاسخ: گزینه (۴).

۳. با بررسی مقدار خوابی که ما نیاز داریم، نویسنده می‌گوید که ...

- (۱) انسان‌هایی که به اندازهٔ کافی می‌خوابند افسرده می‌شوند.
- (۲) بیشتر مردم نیاز به هشت ساعت خوابیدن در شب دارند.
- (۳) مردمی که خیلی کم می‌خوابند شروع به تصور کردن اجسام می‌کنند.
- (۴) هر کس نیاز به مقدار خواب مشابه ندارد.

پاسخ: گزینه (۴).

۴. بیشتر دانشمندان بر این باورند که ما می‌خواهیم چون ...

(۱) تمام انرژی ما مصرف شده است.

(۲) مغز ما خسته است و نیاز به استراحت دارد.

(۳) قلب نیاز به ضربان کمتری دارد.

(۴) بدن ما نیاز به جبران کردن کار دارد

پاسخ: گزینه (۴).

۵. کلمه «آن» «it» در خط ۹ برمی‌گردد به ...

(۱) خواب دیدن

(۲) هر شب

(۳) یک تئوری

(۴) به یاد آوردن

پاسخ: گزینه (۱).

۶. DJ آمریکایی بعد از ... خوابید.

(۱) ۳ ماه

(۲) ۱۲۰ ساعت

(۳) ۲۰۰ ساعت

(۴) ۳۲۰ ساعت

پاسخ: گزینه (۳).

numerous: very , many

kinds: types, sorts

reptiles:

existence: living, life

extinct: vanished, dead

nevertheless: any way, however

habit

prehistoric

creature

remain: stay

effort: attempt

consume: use up

flesh: meat

regard: look

tail

balance: make equal

cruel: unkind

move about: walk around, wander

بی‌شمار

انواع

خزندگان

هستی

منقرض شده

باوجود این

زندگی، عادت

ماقبل تاریخ

جانور، مخلوق

باقی ماندن

تلاش

مصرف کردن

گوشت

به نظر رسیدن

دم

تعادل برقرار کردن

ستم‌گر، قاتل

راه رفتن، سرگردان بودن، منحرف شدن

[سؤال‌های صبح جمعه ۹۹/۵/۳]

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the answer on your answer sheet.

- 1- **Living close to a lake means we have an supply of water.**
1) inherent 2) abundant 3) inconsistent 4) eclectic
- 2- **The advertisement for the weight loss pills is very since studies have shown they 're ineffective.**
1) persistent 2) interminable 3) sensitive 4) misleading
- 3- **The twins hated to be apart, so they bought houses in close to each other.**
1) pertinence 2) proximity 3) acquaintance 4) scrutiny
- 4- **With few new jobs created, the economy has remained for the past five years.**
1) conservative 2) unfeasible 3) stagnant 4) impassive
- 5- **Two days after the Hood, fortunately the seawater finally began to from our house.**
1) recede 2) secede 3) proceed 4) intercede
- 6- **The business used only to make bicycles, but they've now: a range of other cycling products.**
1) diversified into 2) emerged from
3) reverted to 4) stemmed from
- 7- **The audience clearly loved the play—the was deafening. So it's not surprising that it got glowing reviews.**
1) merit 2) rivalry 3) applause 4) benediction
- 8- **Experienced Iditarod runners tried to Cary Paulsen from competing in the grueling Alaska race, but they were not successful. The writer and his team of sled dogs nearly perished during the race.**
1) elicit 2) derive 3) snatch 4) dissuade
- 9- **The Kalapalo Indians, who live on the savannas of central Brazil, have little to change their leisurely lifestyle. They work just several hours a week to provide food, their only need.**
1) disinterest 2) impetus 3) impact 4) rigidity
- 10- **..... by the rude behavior of the clerk, Ms. Caine reported him to the manager. She believes that customers deserve courteous treatment, even when returning merchandise.**
1) Withdrawn 2) Arisen 3) Restricted 4) Incensed

پاسخنامه سؤال‌های صبح جمعه ۹۹/۵/۳

- (۱) گزینه (۲) صحیح است.
زندگی در نزدیکی یک دریاچه به این معناست که ما منبعی فراوان از آب داریم.
(۱) ذاتی، فطری (۲) فراوان
(۳) ناسازگار (۴) التقاطی، وسیع، جامع و گسترده
- (۲) گزینه (۴) صحیح است.
تبلیغات قرص‌های کاهش وزن بسیار گمراه‌کننده است زیرا مطالعات نشان داده‌اند که آنها بی‌اثر هستند.
(۱) پایدار (۲) تمام‌نشدنی، پایان‌ناپذیر
(۳) حساس (۴) گمراه‌کننده
- (۳) گزینه (۲) صحیح است.
دو قلوها از جدا بودن متنفر بودند، بنابراین خانه‌هایی را در نزدیکی یکدیگر خریداری کردند.
(۱) تناسب (۲) مجاورت، نزدیکی (۳) آشنایی (۴) موشکافی
- (۴) گزینه (۳) صحیح است.
با ایجاد تنها چند شغل جدید، اقتصاد طی پنج سال گذشته راکد مانده است.
(۱) محافظه کار (۲) غیرقابل اجرا، نشدنی غیر ممکن
(۳) راکد (۴) بی‌عاطفه، بی‌احساس، سرد و بی‌روح
- (۵) گزینه (۴) صحیح است.
دو روز پس از سیل، سرانجام آب دریا از خانه ما شروع به عقب‌نشینی کرد.
(۱) پا درمیانی کردن (۲) جدا شدن، کناره‌گیری کردن
(۳) ادامه دادن، پیش رفتن (۴) عقب‌نشینی کردن
- (۶) گزینه (۱) صحیح است.
این تجارت فقط برای ساختن دوچرخه استفاده می‌شد، اما اکنون آنها گونه‌های متنوعی از دیگر محصولات دوچرخه‌سواری را نیز تولید می‌کنند.
(۱) تنوع بخشیدن به (۲) ظاهر شدن از
(۳) نشات گرفتن از، ناشی شدن از (۴) برگرداندن به
- (۷) گزینه (۲) صحیح است.
تماشاگران مشخصاً بازی را دوست داشتند. (صدای) تشویق‌گرکننده بود. بنابراین تعجب‌آور نیست که نقدهای درخشانی را دریافت کرده.
(۱) شایستگی، مزیت (۲) کف زدن، تشویق کردن
(۳) رقابت (۴) خوشبختی، دعای خیر

(۸) گزینه (۴) صحیح است.

دونده‌های با تجربه ایداتارود سعی کردند گری پائولسن را از شرکت در مسابقه‌ی خسته‌کننده آلاسکا منصرف کنند، اما موفق نشدند. نویسنده و تیم سگ‌های سورتمه‌ران او در طی مسابقه تقریباً نابود شدند.

(۲) بیرون کشیدن

(۱) مشتق شدن

(۴) منصرف کردن، دلسرد کردن

(۳) ربودن

(۹) گزینه (۲) صحیح است.

سرخپوستان کالاپالو، که در ساواناهای برزیل مرکزی زندگی می‌کنند، انگیزه کمی برای تغییر سبک زندگی تفریحانه خود دارند. آنها فقط چند ساعت در هفته برای تأمین غذا کار می‌کنند، که تنها نیازشان است.

(۱) بی‌علاقگی (۲) انگیزه، مشوق (۳) تأثیر، اثر (۴) سختی

(۱۰) گزینه (۳) صحیح است.

خانم کین که از رفتارهای بی‌ادبانه فروشنده عصبانی شده بود، او را به مدیر گزارش داد. او بر این باور است که مشتریان حتی هنگام بازگرداندن کالا، مستحق برخورد مؤدبانه هستند.

(۱) بیرون کشیدن (۲) محدود کردن (۳) عصبانی کردن (۴) برخاستن

[سؤال‌های عصر پنجشنبه ۹۹/۵/۲]

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or the phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the answer on your answer sheet.

- 1- It had not rained on the prairie for several months. Because of the drought, the climate had become very
1) unsteady 2) rigid 3) intense 4) arid
- 2- Deserted for six months, the property began to look more like a jungle and less like a residence—weed grew in the front yard.
1) unchecked 2) unjustified 3) complicated 4) scanty
- 3- Can you please this last part of the lesson for me; I'm not sure I understood.
1) recapitulate 2) identify 3) postulate 4) recount
- 4- Gerry's dissatisfaction with our work was in his expression, although he never criticized us directly.
1) vulnerable 2) bright 3) implicit 4) humble

- 5- The world's coal, oil and gas are finite; one day they will run out, so think now about what you can do to consume less.
1) appliances 2) deposits 3) relics 4) amenities
- 6- You are recommended to use mnemonics to help you important items of information.
1) enumerate 2) expose 3) recall 4) withdraw
- 7- The lifespan of a mayfly is , lasting from a few hours to a couple of days.
1) imprecise 2) ephemeral 3) superficial 4) swift
- 8- His words to the press were deliberately ; he didn't deny the reports but neither did he confirm them.
1) mutual 2) essential 3) dogmatic 4) equivocal
- 9- Hundreds of people had come to see a popular satire, but during the performance a fire started in the theater, and the audience and actors had to the building immediately.
1) expel 2) evacuate 3) disperse 4) detach
- 10- Computers have helped solve some of the mathematical which have puzzled man for many centuries.
1) conundrums 2) caprices 3) artifacts 4) chronologies

پاسخنامه سؤال‌های عصر پنجشنبه ۹۹/۵/۲

- (۱) گزینه (۴) صحیح است.
برای چندین ماه در چمنزار باران نباریده بود. به دلیل خشکسالی آب و هوا بسیار خشک شده بود.
(۱) ناپایدار (۲) سفت و سخت (۳) شدید (۴) خشک و کم آب
- (۲) گزینه (۱) صحیح است.
ملک که به مدت ۶ ماه متروکه ماده بود، بیشتر شبیه به جنگل شده بود و کمتر شبیه به خانه بود -
علف‌های هرز در حیاط جلوی آن به شکل کنترل نشده‌ای رشد کرده بود.
(۱) کنترل نشده (۲) غیرقابل توجیه (۳) پیچیده (۴) ناچیز
- (۳) گزینه (۱) صحیح است.
آیا می‌توانید این قسمت آخر درس را برای من خلاصه کنید؟ مطمئن نیستم که فهمیده باشم.
(۱) خلاصه کردن، رئوس مطالب را تکرار کردن
(۲) شناسایی کردن
(۳) فرضیه‌سازی کردن
(۴) قصه گفتن، شرح داستان دادن

- (۴) گزینه (۳) صحیح است.
نارضایتی گری از کار ما در بیان او ضمنی بود، اگرچه او هرگز مستقیماً از ما انتقاد نکرد.
(۱) آسیب‌پذیر (۲) روشن (۳) ضمنی و غیرمستقیم (۴) فروتن
- (۵) گزینه (۲) صحیح است.
ذخایر ذغال سنگ، نفت و گاز جهان محدود است. یک روز تمام می‌شوند بنابراین اکنون به این فکر کنید که چه کاری می‌توانید انجام دهید تا کمتر مصرف کنید.
(۱) اسباب و اثاثیه (۲) مخزن، انباشت، رسوبات
(۳) آثار باقی مانده (۴) امکانات، تسهیلات
- (۶) گزینه (۳) صحیح است.
به شما پیشنهاد می‌شود از یادیار برای یادآوری موارد مهم اطلاعاتی استفاده کنید.
(۱) برشمردن (۲) افشاگری کردن، در معرض قرار دادن
(۳) یادآوری کردن (۴) بیرون کشیدن
- (۷) گزینه (۲) صحیح است.
طول عمر مگس یک روزه زودگذر است. از چند ساعت تا چند روز طول می‌کشد.
(۱) نادقیق (۲) زودگذر (۳) سطحی (۴) سریع
- (۸) گزینه (۴) صحیح است.
سخنان او به مطبوعات عمداً مبهم بود. وی گزارش‌ها را تکذیب نکرد اما آنها را تأیید نیز نکرد.
(۱) متقابل (۲) ضروری (۳) متعصب، جزمی (۴) مبهم
- (۹) گزینه (۲) صحیح است.
صدها نفر برای دیدن طنز محبوب آمده بودند اما در حین اجرا آتش‌سوزی در تئاتر آغاز شد و تماشاگران و بازیگران مجبور شدند فوراً ساختمان را تخلیه کنند.
(۱) اخراج کردن (۲) تخلیه کردن
(۳) پخش شدن، متفرق شدن (۴) جدا شدن
- (۱۰) گزینه (۱) صحیح است.
رایانه‌ها به حل برخی از معضلات محاسباتی کمک کرده‌اند که قرن‌ها انسان را متحیر کرده است.
(۱) معما، چیستان، مسئله بغرنج و پیچیده (۲) هوس، علاقه دمدمی، تمایل فکری
(۳) مصنوعات (۴) ترتیب وقوع رخدادها؛ گاه‌شماری

A. suffixes

پسوندها

a. Noun making suffixes

a. Adjective + Suffix = Noun

-ness	happy	شادی	happiness	شادی
-cy	frequent	فراوان	frequency	فراوانی
-(i)ty	stupid	احمق	stupidity	حماقت
	cruel	ظالم	cruelty	ظلم
-ship	hard	سخت	hardship	سختی
-ism	social	اجتماعی	socialism	سوسیالیزم
-ist	active	فعال	activist	عضو فعال
-ery	brave	شجاع	bravery	شجاعت
-hood	false	غلط-کاذب	falsehood	کذب-دروغ
-dom	free	آزاد	freedom	آزادی
-th	deep	عمیق	depth	عمق
	long	دراز	length	درازی
-ion	invent	اختراع کردن	invention	اختراع
	persuade	تشویق کردن	persuasion	تشویق
	examine	امتحان کردن	examination	معاینه - امتحان
	multiply	خوب کردن	multiplication	خوب
-ure	please	راضی کردن	pleasure	خشنودی - رضایت
	mix	مخلوط کردن	mixture	مخلوط
-er	teach	درس دادن	teacher	معلم
-or	visit	ملاقات کردن	visitor	میهمان
-ar	beg	گدایی کردن	beggar	گدا
-ance	appear	ظاهر شدن	appearance	ظاهر
-ence	differ	فرق داشتن	difference	متفاوت
-ee	employ	استخدام کردن	employee	کارمند
-y	discover	کشف کردن	discovery	اکتشاف
-al	arrive	رسیدن	arrival	ورود
-age	marry	ازدواج کردن	marriage	ازدواج
-ment	entertain	سرگرم کردن	entertainment	سرگرمی
-ing	build	ساختن	building	ساختمان
-ist	type	ماشین نویسی کردن	typist	تایپیست-ماشین نویس
ress	act	بازی کردن (در فیلم)	actress	بازیگر زن
-ship	friend	دوست	friendship	دوستی
-hood	child	بچه	childhood	بچگی
-ess	host	میزبان مرد	hostess	میزبان زن
-ist	psychology	روانشناسی	psychologist	روانشناس
-ism	capital	سرمایه	capitalist	سرمایه داری
-(i) (a)n	India	هندوستان	Indian	هندی
	Rome	(رُم)	Roman	رومی - رومی
	Iran	ایران	Iranian	ایرانی
-dom	king	پادشاه	kingdom	پادشاهی
-ful	hand	دست	handful	یک مشت، به اندازه یک مشت
-ery	bribe	رشوه	bribery	رشوه گیری

b. Adjective + making suffixes

1. Noun + Suffix = Adjective

-ful	care	دقت	careful	با دقت
-less	care	دقت	careless	بی دقت
-able	comfort	راحتی	comfortable	راحت
-ible	sense	حس	sensible	حساس
-ly	friend	دوست	friendly	دوستانه
-ous	fame	شهرت	famous	مشهور
-like	child	بچه	childlike	بچه گانه
-ic	hero	قهرمان	heroic	قهرمانانه
-ish	girl	دختر	girlish	دخترانه
-al	nature	طبیعت	natural	طبیعی
-en	wood	چوب	woody	چوبی
-y	cloud	ابر	cloudy	ابری
-ern	east	شرق	eastern	شرقی
-some	trouble	زحمت	troublesome	مزاحم

2. Verb + Suffix = Adjective

-ed	learn	یاد گرفتن	learned	دانشمند
-ive	act	عمل کردن	active	فعال
-able	eat	خوردن	eatable	قابل خوردن
-ent	differ	فرق داشتن	different	متفاوت
-ant	signify	معنی داشتن	significant	پرمعنی

c. Verb + making suffixes

Adjective/Noun + Suffix = Verb

-en	white	سفید	whiten	سفید کردن
-ify	intense	شدید - قوی	intensify	تشدید کردن
-ate	origin	اصلی - ریشه	originate	منشأ گرفتن - ریشه گرفتن
-ize	real	واقعی	realize	تشخیص دادن - درک کردن - فهمیدن

B. Prefixes

a. Negating Prefixes

-un	known	شناخته شده	unknown	ناشناس
-dis	agree	موافقت کردن	disagree	مخالفت کردن
-in	adequate	کافی	inadequate	کم - ناکافی
-im	mortal	مردنی - فانی	immortal	جاودانه - جاویدان
-ir	regular	باقاعده	irregular	بی قاعده
-il	legal	قانونی	illegal	غیر قانونی
-non	sense	معنی	nonsense	بی معنی
-mis	use	استفاده کردن	misuse	سوء استفاده کردن

b. Other Prefixes		international	بین‌المللی
-inter-	مابین	prefix	پیشوند
-pre-	قبل	postwar	بعد از جنگ
-post-	بعد	rewrite	بازنویسی کردن
-re-	از نو - مجدداً	submarine	زیر دریایی
-sub-	خرده - زیر	underestimate	دست کم گرفتن
- under -	زیر - تحت	foretell	پیش‌گویی کردن
- fore-	قبل - پیش	overeat	پر خوری کردن
- over -	اضافه کردن - اضافه	vice- president	معاون رئیس‌جمهور
-vice-	نایب - معاون	supernatural	ما فوق طبیعی
-super-	ما فوق	television	تلویزیون
- tele-	فاصله - راه دور	antimagnetic	ضدمغناطیس
-anti-	مخالف - ضد	semifinal	نیمه نهایی
-semi-	نصف - نیم		

Irregular Verbs

افعال بی‌قاعده

Present (حال)		Past (گذشته)	Past Participle (اسم مفعول)
be	بودن	was	been
bear	تحمل کردن	bore	born
become	شدن	became	become
begin	شروع کردن، شروع شدن	began	begun
blow	وزیدن	blew	blown
break	شکستن	broke	broken
bring	آوردن	brought	brought
build	ساختن	built	built
burn	سوختن، سوزاندن	burnt	burnt
buy	خریدن	bought	bought
come	آمدن	came	come
cost	ارزیدن	cost	cost
cut	بریدن	cut	cut
do	انجام دادن	did	done
draw	کشیدن	drew	drawn
drink	نوشیدن	drank	drunk
drive	راندن	drove	driven
eat	خوردن	ate	eaten
fall	افتادن	fell	fallen
feed	غذا دادن	fed	fed
feel	احساس کردن	felt	felt
find	پیدا کردن	found	found
fly	پرواز کردن	flew	flown
forget	فراموش کردن	forgot	forgotten
get	رسیدن، به دست آوردن	got	got/gotten
give	دادن	gave	given

go	رفتن	went	gone
grow	روئیدن، رشد کردن	grew	grown
have	داشتن، خوردن	had	had
hear	شنیدن	heard	heard
hide	مخفی کردن، مخفی شدن	hid	hidden
hit	زدن	hit	hit
hold	نگه داشتن، برگزار کردن	held	held
hurt	صدمه زدن	hurt	hurt
keep	نگه داشتن	kept	kept
know	دانستن	knew	known
learn	یادگرفتن	learnt	learnt
leave	ترک کردن	left	left
let	اجازه دادن	let	let
light up	روشن کردن، روشن شدن	lit up	lit up
lose	گم کردن	lost	lost
make	ساختن	made	made
mean	معنی دادن	meant	meant
meet	ملاقات کردن	met	met
pay	پرداختن (پول)	paid	paid
put	گذاشتن، قراردادن	put	put
read	خواندن	read	read
ride	سوار شدن	rode	ridden
rise	طلوع کردن	rose	risen
run	دویدن	ran	run
say	گفتن	said	said
see	دیدن	saw	seen
sell	فروختن	sold	sold
send	فرستادن	sent	sent
set	غروب کردن	set	set
shine	درخشیدن	shone	shone
sing	آواز خواندن	sang	sung
sit	نشستن	sat	sat
sleep	خوابیدن	slept	slept
speak	صحبت کردن	spoke	spoken
spend	خرج کردن، صرف کردن	spent	spent
steal	دزدیدن	stole	stolen
swim	شنا کردن	swam	swum
take	بردن، گرفتن	took	taken
teach	یاد دادن	taught	taught
tell	گفتن	told	told
think	فکر کردن	thought	thought
understand	فهمیدن	understood	understood
wake	بیدار شدن، بیدار کردن	woke	woken
wear	پوشیدن	wore	worn
write	نوشتن	wrote	written

منابع

- Amiri, M. (2006). A Course in Vocabulary and Reading Comprehension. Pouran Pazhuhesh Publication Tehran. 4th print.
- Amiri, M. (2004). A Course in Vocabulary for Per-University students. INC press. Tehran. Iran
- Broukal, M. & Nolan-Woods, E. (1991) NTC's Practice Test for the TOEFL. U.S.A. NTC Publishing group.
- Broukal, M. (2003). TOEFL Word Flash. Canada. Peterson's.
- Brown, M. (2003). ETS TOEFL Workbook. U.S.A. ETS. Press
- Chastain, K. (1988). Developing Second Language Skills, Theory and Practice. U.S.A. H.B.J, Inc:
- Crystal, D. (1995). The Cambridge Encyclopedia of the English Language. Cambridge: Cambridge University Press.
- Davy, E. & Davy, E. (1984). TOEFL Reading Comprehension and Vocabulary Workbook. New York. Prentice Hall Press.
- Farid, A. (1985). A Vocabulary Workbook for ESL Students: New York. Prentice Hall Press.
- Hornby, A.S. (2000). Oxford Advanced Learner's Dictionary of Current English.
- Kirkpatrick, B. (1998). The Oxford College Thesaurus. London: Oxford University Press.
- Mc Arthur, T (1986) Longman Lexicon of Contemporary English: Longman Group.
- Murphy, Atkins. (1981). How to prepare for the TOEFL. HBJ Press L.t.d.
- Nowruzi, Khiabani, M. (1993). Application of Synonyms. Tehran. Iran: Allame Tabataba'ee University Press.
- Philips, D. (1996). Longman Preparation Course for the TOEFL Test. Vol. B: Addison-Wesley Publishing Company, Inc.
- Procter, P. (1981). Dictionary of Contemporary English: Longman Group, L.t.d.
- Tajalli, G. (1997). Idioms and Metaphorical Expressions in Translation. Tehran. Iran. SAMT Publications.